

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
رساله برای دریافت درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی

عنوان

بررسی تطبیقی دیوان حافظ و مجموعه آثار امرسن

(مشابهت های حافظ و امرسن در اندیشه تعالی گرایی، گفتمان، مضامین و صور خیال)

استاد راهنما

دکتر محمود فتوحی رودمعجنی

استادان مشاور

دکتر محمدرضا هاشمی

دکتر ابوالقاسم قوام

دانشجو

زهره تائبی نقندری

تابستان ۱۳۹۰

سپاسگزاری

با سپاس بیکران از استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر فتوحی به پاس راهنمایی های ارزنده و راهگشایشان که در تاریکی ها چراغ راهم بود و آزاداندیشی، دانش و منش، و معرفتشان که الهامبخش من خواهد بود، در ادامه راهم...

همچنین سپاسگزارم از استادان مشاورم:

جناب آقای دکتر هاشمی که از راهنمایی های دلسوزانه و محبت های بی دریغشان بسیار بهره بردم.

و جناب آقای دکتر قوام که سخنان امیدبخش و راهنمایی های مفیدشان همیشه مایه دلگرمی ام بود.

با سپاس از مدیر محترم و استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد به خصوص جناب آقای

دکتر محمّد زاده و سرکار خانم دکتر پورخالقی که از کلاس های درس و محضر علم و معرفتشان، توشه های فراوان برگرفتم.

به خصوص عرض تشکر و ارادت دارم از محضر استاد بزرگ، جناب آقای دکتر یاحقی، قلب تپنده قطب علمی گروه زبان و

ادبیات فارسی دانشگاه مشهد، که شاگردی ایشان افتخار بزرگ زندگی ام بود.

همچنین سپاسگزار هستم از استادان و همکارانم در گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی که بدون

همکاری و مساعدت آنان، پیمودن این راه میسر نبود.

گفتنی است، بخشی از مطالب این رساله نیازمند بازبینی ترجمه های آلمانی از دیوان حافظ و همچنین کتابی به زبان آلمانی به نام

تاریخ فن سخنوری فارسی به قلم هامرپورگشتال بود. در این زمینه از دوست عزیزم سرکار خانم سمیرا قاسمی کمک گرفتم، که

در اینجا مراتب سپاس و تشکر خود را از ایشان نیز اعلام می کنم.

در پایان تشکر می‌کنم از اعضای خانواده‌ام:

از همسرم که در طول سال‌های تحصیل، با عاطفه‌ای سرشار مشوق و پشتیبانم بود و افزون بر تمام محبت‌هایش، در بازبینی ترجمه اشعار و مقالات امرسن از راهنمایی‌های استادانه‌اش برخوردار بوده‌ام.

از فرزندان عزیزم کیمیا و پارسا که در طول این سال‌ها، همراه من، سختی‌های زندگی را بر شانه‌های کوچک‌شان تحمل کرده‌اند.

از مادرم که دعایش پیوسته بدرقه‌ی راهم و خواهرم که همواره یار و یاورم بود.

تقدیم به :

خاطره همیشه سبز اولین
استادم، مرحوم دکتر کامیابی؛

و همسر و فرزندانم به یاد
غم‌ها و شادی‌هایی که با هم
تقسیم کردیم.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲
فصل اول: کلیات و چارچوب نظری تحقیق.....	۶
۱-۱. طرح مسأله.....	۷
۱-۲. هدف تحقیق.....	۸
۱-۳. فرضیه‌ها.....	۸
۱-۴. پیشینه تحقیق.....	۹
۱-۵. روش تحقیق.....	۱۴
۱-۶. معرفی فصل‌ها.....	۱۹
فصل دوم: آشنایی با امرسن، حافظ و تفکر شرقی.....	۲۲
۱-۲. آشنایی با حافظ و امرسن.....	۲۳
۱-۱-۲. معرفی امرسن.....	۲۳
۲-۱-۲. امرسن و مکتب تعالی گرایي.....	۲۴
۲-۱-۳. معرفی حافظ.....	۲۸
۲-۲. بنیان‌های شرقی تفکر امرسن.....	۳۲
۱-۲-۲. بینش عرفانی شرق.....	۳۲
۲-۲-۲. فرهنگ اسلامی.....	۳۴
۳-۲-۲. تصوّف.....	۳۹
۴-۲-۲. شاعران ایرانی.....	۴۳
۵-۲-۲. امرسن و شعر حافظ.....	۴۷
۳-۲. تعیین قلمرو مشترک بین حافظ و امرسن.....	۵۰

۵۰	۲-۳-۱. دنیای ذهنی مشترک حافظ و امرسن
۵۴	۲-۳-۲. تفاوت بین دنیای ذهنی امرسن و حافظ
۵۷	فصل سوم: چگونگی آشنایی امرسن با حافظ
۵۸	۳-۱. درآمدی بر آشنایی امرسن با حافظ
۵۹	۳-۲. آشنایی امرسن با حافظ از طریق گوته
۶۸	۳-۳. تفاوت نگاه گوته و امرسن در برداشت از شعر حافظ
۶۸	۳-۳-۱. حافظ شناسی با دو انگیزه متفاوت
69	۳-۳-۲. عشق و معشوق شرقی از نگاه دو شاعر غربی
۷1	۳-۳-۳. نگاه شاعرانه گوته و نگاه فرهنگی امرسن
۷۲	۳-۳-۴. جهانی سازی و بومی سازی اندیشه حافظ
۷۳	۳-۳-۵. تفاوت روش ترجمه در برداشت از حافظ
۷۶	۳-۴. آشنایی امرسن با حافظ از طریق ترجمه‌های هامر پورگشتال
۷۹	فصل چهارم: حافظ در آئینه آثار امرسن
۸۰	۴-۱. حافظ در شعر امرسن
۸۰	۴-۱-۱. شباهت در چارچوب اندیشه و گفتمان در اشعار امرسن و حافظ
۸۰	۴-۱-۲. رویکرد نقادانه به مذهب
۸۱	۴-۱-۳. نقد ریا و قشری‌گری
۸۱	۴-۱-۴. حقیقت: فصل مشترک ادیان
۸۲	۴-۱-۵. اعتقاد به تعالی بخشی عشق
۸۴	۴-۱-۶. باده عرفانی
۸۶	۴-۱-۷. تقدیرگرایی
۸۷	۴-۱-۲. شباهت در مضامین و صورخیال در اشعار امرسن و حافظ
۸۸	۴-۱-۲-۱. شباهت در صور خیال
۹۱	۴-۱-۲-۲. شباهت در مضامین
۹۴	۴-۲. حافظ در مقالات امرسن

۹۴	۱-۲-۴. نقل قول‌های پراکنده از حافظ و تحسین‌های امرسن از حافظ
۹۶	۲-۲-۴. مقاله «درباره شعر فارسی»
۹۹	۱-۲-۲-۴. واکاوی دیدگاه امرسن درباره ساختار شعر فارسی
۱۰۰	۲-۲-۲-۴. آزاداندیشی و بی‌باکی حافظ
۱۰۱	۳-۲-۲-۴. ساختار دولایه ای شعر حافظ
۱۰۲	۴-۲-۲-۴. قانون عشق در شعر حافظ
۱۰۴	۵-۲-۲-۴. تخلص، راهی برای دفاع از حق مؤلف
۱۰۵	۶-۲-۲-۴. مخاطبان شعر حافظ
۱۰۹	۳-۲-۴. نقد و بررسی خطاهای امرسن
۱۰۹	۱-۳-۲-۴. درآمیختن اسطوره‌های ایرانی و سامی
۱۱۰	۲-۳-۲-۴. خطا در انتساب اشعار
۱۱۵	۳-۴. تأثیر پذیری امرسن از حافظ
۱۱۵	۱-۳-۴. تأثیر پذیری مستقیم
۱۱۷	۲-۳-۴. تأثیر پذیری به صورت ترجمه
۱۱۷	۱-۲-۳-۴. ترجمه امرسن از ساقی نامه
۱۲۱	۲-۲-۳-۴. ترجمه‌های دیگر
۱۲۳	۳-۳-۴. تأثیر پذیری به همراه تأویل
۱۲۸	نتیجه‌گیری
۱۳۱	پیشنهادها
۱۳۲	پیوست‌ها
۱۳۳	پیوست ۱- ترجمه مقاله «درباره شعر فارسی» به قلم رالف والدو امرسن
۱۶۴	پیوست ۲- ترجمه شعر «برهما»
۱۶۶	کتابنامه
۱۶۷	فهرست منابع فارسی
۱۷۰	فهرست منابع انگلیسی

چکیده

در آثار امرسن، گرایش به فرهنگ و ادب شرق بسیار چشمگیر است. امرسن پژوهان، گرایش‌های شرقی امرسن را برگرفته از سه منبع ذکر کرده‌اند، فلسفه ودایی هندی، آیین کنفوسیوسی و اشعار عارفانه فارسی. پژوهش حاضر با استفاده از روش تطبیقی فرانسوی و بررسی درون‌متنی اشعار، مقالات و ترجمه‌های امرسن نشان می‌دهد در بنیادهای شرقی اندیشه و سبک امرسن، سهم شعر و ادب فارسی از زمینه‌های شرقی دیگر بیشتر بوده و از میان شاعران ایرانی علاقه ویژه او نسبت به حافظ به طور آشکار مشهود است. در این پژوهش، نخست کلیاتی درباره زندگی امرسن و بنیان‌های شرقی تفکر وی ارائه شده است. سپس مسیر آشنایی امرسن و حافظ از طریق تأثیر حافظ بر گوته و تألیفات و ترجمه‌های شرق شناس اتریشی، هامرپورگشتال، از دیوان حافظ، مورد واکاوی قرار گرفته است. در ادامه، با تکیه بر شواهد درون‌متنی در آثار امرسن در دو بخش مقالات و اشعار وی، مشابهت‌های حافظ و امرسن مطرح گردیده است و در انتها، موضوع تأثیر پذیری امرسن از حافظ در سه مبحث تأثیرپذیری مستقیم، تأثیرپذیری در ترجمه‌ها و تأثیرپذیری به همراه تأویل بررسی شده است. بررسی تطبیقی دیوان حافظ و مجموعه آثار امرسن نشان می‌دهد وی در برداشت از شعر فارسی و اشعار حافظ، کوشیده است جهان‌بینی استعلایی، اندیشه و سبک شعر حافظ را در نوشته‌های انگلیسی خویش متبلور کند.

مقدمه

یکی از موضوع‌هایی که در مطالعات انجام شده درباره تأثیر ادبیات شرق بر غرب کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، تأثیر شعر فارسی بر ادبیات امریکاست. انگیزه‌های توجه امریکاییان به شرق با آنچه که توجه اروپاییان را جلب کرده بود، فرق دارد. محصول این فصل مشترک جدید بین ادبیات فارسی و ادبیات امریکایی نیز با آنچه که پیش از آن در اروپا تجربه شده بود، متفاوت است. مهم‌ترین تأثیر شعر فارسی بر ادب آمریکا را در ترویج نوعی بینش عرفانی به نام تعالی‌گرایی،^۱ در قرن نوزدهم آمریکا می‌توان یافت. پایه‌گذار این مکتب، شاعر و فیلسوف رمانتیک امریکایی، رالف والدو امرسن^۲ و گروهی از هم‌فکران او در ایالت نیوانگلند در آمریکا بودند.

امرسن، علاوه بر مطالعات وسیع در زمینه‌های تاریخ، فلسفه و ادبیات، به اروپا سفر کرد و با ادیبان و اندیشمندان اروپا ملاقات کرد که از آن میان کارلایل، فیلسوف انگلیسی و گوته شاعر آلمانی بیشترین تأثیر را بر اندیشه او باقی گذاشتند (Strauch, 1956: 238) و (Ekhtiar, 1976: 12). یکی از توصیه‌های کارلایل به امرسن، خواندن اشعار گوته به زبان اصلی (آلمانی) بود و به همین خاطر امرسن شروع به فراگیری زبان آلمانی کرد. در آلمان وی با گوته ملاقات و گفتگو کرد و گوته خواندن ترجمه‌های آلمانی اشعار حافظ را به او پیشنهاد داد. به هر حال علاقه مندی امرسن به حافظ بعدها تا آنجا پیش رفت که دست به کار ترجمه ساقی‌نامه حافظ شد و کم‌کم با الهام از او اشعاری با رنگ و بوی شرقی سرود. استفاده از نقل‌قول‌های مستقیم از اشعار حافظ در

1 - Transcendentalism

2- Ralph Waldo Emerson (1803-1882)

مقالات وی، و تجلیل او از حافظ که به طور پراکنده در نوشته‌هایش به چشم می‌خورد، جایگاه والای حافظ را در نگاه این شاعر و فیلسوف آمریکایی نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است برای اندیشمندی مانند امرسن، با پیشینه وسیع مطالعاتی که در تاریخ، فلسفه و ادبیات داشت، سخن از عشق، آزادگی، انتقاد از دغل‌کاران، مردم عوام و سطحی‌نگر و امثال آن، موضوع‌های تازه‌ای نبود که برای اولین بار در دیوان حافظ با آن‌ها روبه‌رو شده باشد. او با تجربه گسترده مطالعاتی‌اش به این نتیجه رسیده بود که «تفاوت، در چگونگی اندیشه‌های انسان‌ها نیست بلکه در قدرت بیان و شیوه انتقال آن‌هاست» (Emerson 1903-4, VIII: 248-9). از دریچه نگاه امرسن به عنوان شاعر، اعتبار حافظ به خاطر بیان افکاری بود که شاید به فکر بسیاری از شاعران خطور کرده، اما موفق به ابراز آن نشده بودند. طبق گفته امرسن، «خصیصه قابل توجه حافظ داشتن ذهن و فکری روان است چنان که هر احساس و اندیشه‌ای را به راحتی بر زبان او جاری می‌کند». (همان: ۲۵۰)

افزون بر بعد شاعرانه، پس از آشنایی بیشتر با ابعاد دیگر شخصیت حافظ، امرسن به آزاد فکری و آزادمنشی او نیز پی برده بود. وی حافظ را آزاده‌ای یافت که توانسته بود خود را از هنجارهای حاکم و سنت‌های دست و پاگیر رها کند، و براساس بینشی مستقل، آنچه را درست می‌دانست انجام دهد. امرسن این جنبه از شخصیت حافظ را این گونه مورد تمجید قرار می‌دهد:

ارزش دیگر حافظ در آزاداندیشی اوست که خود عمق تفکر و اندیشه او را تصدیق می‌کند. همه ما شرایط سیاسی و مذهبی‌ای را که در آن به دنیا می‌آییم می‌پذیریم، اما، تنها افراد معدودی حساس هستند و به این نکته وقوف پیدا می‌کنند که قراردادها، اصول و آیینی که انسان به پذیرش آن‌ها تن می‌دهد، دام‌هایی هستند که او را اسیر خود کرده، و با پذیرش آن‌ها، آزاداندیشی خود را از دست می‌دهد ... او [حافظ] آزاد فکری خود را در حد کمال به خواننده‌اش اعلام می‌کند. در استفاده از اشارات و کنایات بسیار زبردست است ... او از هیچ چیز نمی‌هراسد و هیچ چیز نمی‌تواند سر راه او مانع ایجاد کند. (همان، ۹-۲۴۸)

امرسن، همچنین در حافظ عارفی را یافت که عشق به حقیقت مطلق را سرچشمه هستی، زیبایی و فضیلت می‌دانست، این عشق را پرتوی از وجود خداوند می‌دید، نوری که به جایگاهی خاص محصور نمی‌شد، و پرستش خداوند را با هر اسمی و هر مذهبی جایز می‌شمرد، حتی اگر چنین افق گسترده‌ای از اندیشه‌اش، باعث شود، کوردلان و کوتاه‌فکران خشک‌اندیش، او را به بی‌دینی و نداشتن مذهب متهم کنند. چون امرسن خود نیز شرایطی شبیه به این را تجربه کرده بود، خود را با شاعر و عارفی همچون حافظ بسیار همدل و هم‌سو می‌دید و با او همدردی می‌کرد: وی در ادامه توصیف شخصیت حافظ می‌نویسد: «ذهن او [حافظ] غیر از خودش با هیچ مذهب و نظام سلطه‌ای کنار نمی‌آید، این خصیصه نشانگر اعتقاد به وجود حقیقتی مطلق است، و او برای حفظ حرمت و احترام به آن از زبانی نمادین و رمزی استفاده می‌کند، و همین امر باعث شده که او را به غیرمذهبی بودن متهم کنند». (همان، ۲۴۸)

در نهایت، امرسن، در طی مسیر شناخت حافظ به کشف بزرگتر دیگری نیز دست یافت: جنگ آشتی‌ناپذیر حافظ با تزویر و ریا. برای خود امرسن نیز مبارزه با ریاکاران و متظاهران حتی قبل از آشنایی با شعر شاعران پارسی، یکی از درون‌مایه‌های آثارش بود. او از ریاکاری به شدت رویگردان بود. وی هنگامی که از مقام خود در کلیسا استعفا داد، دلیل استعفای خود را این طور توضیح داد که نمی‌تواند مردم را در کلیسا به انجام آدابی دعوت کند که خود به آن اعتقادی ندارد. وی گفت: «من در انجام آدابی مثل مراسم عشاء ربّانی، هیچ لطف و فضیلتی نمی‌بینم» (Bradley, 1974:558).

به دلیل وجود چنین روحیاتی بود که وی به هنگام آشنایی با شعر شاعران ایرانی، و به ویژه در ترجمه دیوان حافظ، لحن انتقادی و خُرده‌گیری‌های حافظ را نسبت به زاهدان و صوفیان، به خوبی درک می‌کرد، با تصویرهای شیخ و صوفی و محتسب که با عجب و خودبینی، خود را پاسبان شرع و اخلاق می‌دانستند، آشنا بود، و آنان را نفی می‌کرد. در واقع، امرسن عکس‌العمل حافظ و نگاه تحقیرآمیز او را نسبت به مقدّس‌مآبان و محافظه‌کاران، چنان خوب دریافته بود که تصویری ماندگار از آنان را در ذهنش به خاطر سپرده بود. این

تصویرها، در برداشت‌های موشکافانه‌ای که وی در مقاله «درباره شعر فارسی» ارائه کرده، منعکس است. چنان که می‌نویسد:

هدف همیشگی تیر حمله حافظ، تزویر و ریاست ... این معشوق است که در قلب حافظ شعله‌ای بر می‌فروزد که خودپرستی را رها کند، نه درویش و راهب و مرتاض و نه خرقة و زهدفروشی آنان. آنچه که در عرف غلط است نزد حافظ غلط نیست. یک قانون نهی شده برای حافظ مثل حصار است بر سر راه پسربچه‌ای مدرسه‌ای، و القای حس پریدن از روی آن مانع ... حافظ با قاطعیت تأویل‌های ریاکارانه را رد می‌کند، او دستار از سر بر می‌دارد و به سوی درویش متظاهر پرتاب می‌کند، و در پی آن پیاله شراب خود را نیز به سمتش می‌پراند. (همان: ۲۶۷)

به هر حال بررسی آثار و اشعار امرسن نشان می‌دهد، او دیوان حافظ را خط به خط از طریق ترجمه‌های آلمانی آن به طور دقیق خوانده و با وجود تفاوت زبانی، فرهنگی، به لایه‌هایی از معانی شعر حافظ پی برده و براساس جهان‌بینی شاعرانه خودش، از ذهن خلاق و سیال حافظ الهام گرفته است.

فصل اول:

کلیات و چارچوب نظری تحقیق

۱-۱. طرح مسأله

پژوهش‌های انجام شده در زمینه ردیابی گرایش‌های شرقی در اندیشه امرسن حکایت از آن دارد که توجه وی از آسیا آغاز شده، در خاورمیانه تمرکز یافته و موجب آشنایی وی با هندوئیسم، بودیسم، فرهنگ اعراب و اسلام، شعر و ادب عارفانه فارسی و در نهایت علاقه‌مندی به شعر و اندیشه حافظ شده است. به همین دلیل جمعی از شارحان آثار امرسن، او را متأثر از هندوئیسم، برخی او را متأثر از بودیسم، عده‌ای او را متأثر از اندیشه اسلامی و گروهی نیز او را متأثر از شاعران ایرانی دانسته‌اند.

در این رساله، با استناد به مقالات، سروده‌ها و یادداشت‌های امرسن (که بالغ بر دوازده جلد کتاب می‌باشد) به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش‌ها بوده‌ایم:

۱- آیا شاعران ایرانی و اشعار حافظ در تأثیرپذیری امرسن از فرهنگ شرق سهمی داشته‌اند؟

۲- چه انگیزه‌ها و عواملی در ایجاد علاقه امرسن، به عنوان شاعری غربی به شعر شاعری شرقی مانند حافظ

- که حدود پانصد سال با او فاصله زمانی داشته - دخیل بوده است؟

۳- آشنایی امرسن با حافظ چگونه اتفاق افتاده است؟

۴- آیا می‌توان قلمروی مشترکی بین جهان‌بینی حافظ و نگرش غربی امرسن پیدا کرد؟

۵- تصویری که امرسن از حافظ ارائه می‌دهد، چگونه است؟

۶- امرسن و حافظ در چه زمینه‌هایی شباهت دارند؟

۷- امرسن در چه زمینه هایی از حافظ تاثیر پذیرفته است؟

۲-۱. هدف تحقیق

هدف از ارائه این پژوهش، بررسی تطبیقی مشابهت‌های اندیشه، مضامین و صور خیال در دیوان حافظ و مجموعه آثار امرسن، و ردیابی تأثیر حافظ بر گفتمان ادبی امرسن است.

در این بررسی با تکیه بر استنادات درون متنی در آثار هر دو شاعر، تلقی امرسن از شخصیت و اندیشه حافظ که از طریق خواندن ترجمه‌های آلمانی حاصل شده، روشن خواهد شد. افزون بر ردیابی وجوه مشابه در اندیشه و جهان‌بینی، شباهت‌های مضمون و صور خیال این دو شاعر نیز ارائه خواهد شد. و در پایان چگونگی تأثیرپذیری امرسن از حافظ در قالب ترجمه، تأویل و تأثیر مستقیم مطرح خواهد شد.

این پژوهش علاوه بر این که برداشت امرسن را از دنیای حافظ به ما نشان می‌دهد جایگاه حافظ را نه تنها در مسند یک شاعر توانای ایرانی، بلکه به عنوان اندیشمندی آزاده نیز اثبات می‌کند.

۳-۱. فرضیه‌ها

فرضیه ۱- علاقه‌مندی امرسن به حافظ ابتدا از طریق علاقه وی به غزلیات و جنبه‌های ادبی شخصیت حافظ ایجاد شده است. امرسن پس از آشنایی بیشتر با ابعاد دیگر شخصیت حافظ، تحت تأثیر آزاداندیشی و جنبه‌های فرهنگی شخصیت وی، نیز قرار گرفته است.

فرضیه ۲- در اشعار و مقالات امرسن مشابهت‌های قابل ملاحظه‌ای در طرز تفکر و مضامین شعر وی با حافظ به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد، حافظ در نگاه امرسن دارای جایگاهی بیش از شاعر و ادیبی توانا، بلکه فیلسوفی صاحب اندیشه‌های جهانی است.

فرضیه ۳- گرچه امرسن مطالعات وسیعی در زمینه‌های فلسفی و عرفانی مختلف داشته است، بررسی دقیق‌تر اشعار و مقالات وی نشان می‌دهد، حافظ تأثیر جهت بخشی در فضای ذهن و روح او بر جای گذاشته است.

فرضیه ۴- ترجمه‌های امرسن، با ترجمه‌های مترجمان قبل از او متفاوت است. او در واقع درک عمیق‌تر و شاعرانه‌تری نسبت به مترجمان قبل از خود، از اشعار حافظ داشته است.

فرضیه ۵- امرسن کوشیده است روح اندیشه و سبک شعر حافظ را در اشعاری با گرایش شرقی به نوشته‌های خود منتقل کند. این تلاش موجب به وجود آمدن گفتمانی شده است که با گفتمان حافظ شباهت زیادی دارد. این شباهت‌ها در قلمرو نگرش استعلایی به هستی است.

فرضیه ۶- امرسن با درونی کردن مفاهیم شرقی در آثار خود، کمک قابل توجهی به انتقال هوشمندانه فرهنگ شرق به هم‌عصران خود در آمریکا کرده است.

۱-۴. پیشینه تحقیق

پژوهشهای تطبیقی پراکنده‌ای درباره حافظ و امرسن، به زبان فارسی و انگلیسی موجود است. شجاع‌الدین شفا (۱۳۳۱) بخشی از شعرهای امرسن را به فارسی ترجمه کرد. جهان‌پور در دو مقاله (۱۳۵۸ و ۱۳۶۸) ضمن بحث از «تأثیر ادبیات شرقی در ادبیات اروپایی و امریکایی» اشاره‌ای به تأثیر ادبیات فارسی بر امرسن کرده است و در مقاله «حافظ و امرسن» (۱۳۵۸) از علاقه و ارادت امرسن نسبت به حافظ یاد کرده، آرامش درونی، آزادی اندیشه و علو فکری حافظ را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در زندگی امرسن می‌داند.^۱ قادری (۱۳۷۸) نیز در مقاله‌ای، به طور خاص «تأثیر ادبیات فارسی بر نهضت تعالی‌گرایی امریکا» را مورد بحث قرار داده و از تأثیرپذیری امرسن از شعر شاعران ایرانی و حافظ یاد کرده است.

در زبان انگلیسی نیز تحقیقات مختلفی انجام شده به‌ویژه در مطالعات امرسن‌شناسی همیشه از حافظ و تأثیر وی بر امرسن یاد شده، اما دقایق متنی و جزئیات پیوندهای متنی امرسن با حافظ، و شیوه آشنایی‌اش با شعر فارسی و میزان آشنایی‌اش با زبان فارسی و شعر حافظ چندان با دقت کاویده نشده است.

۱- این مقاله مستخرج از رساله ارشد وی به زبان انگلیسی است که با عنوان «تأثیر مشرق زمین بر آثار رالف والدو امرسن» در سال ۱۹۶۵ در دانشگاه هال (Hull) در انگلستان ارائه کرده است.

در پژوهش‌های انگلیسی، دو تحقیق عمده انجام شده است که مبنای اصلی کلیه تحقیقات بعدی در زمینه تأثیر فرهنگ و ادب مشرق زمین بر آثار امرسن را تشکیل می‌دهد. اولی به نام *امرسن و آسیا* به قلم فردریک آی. کارپنتر^۱ در سال ۱۹۳۰ نوشته شد و در سال ۱۹۶۸ تجدید چاپ شد. و دیگری که مفصل‌ترین شرح از گرایش‌های شرقی امرسن است، *شرق در مکتب تعالی‌گرایی آمریکا* (۱۹۳۲) به قلم آرتر کریستی است^۲ که ضمیمه بسیار مفصلی نیز دارد و در سال ۱۹۶۳ تجدید چاپ شد. کریستی فهرستی از ترجمه‌های امرسن از شعر فارسی را ارائه کرده که آن قدر معتبر است که پژوهشگران بعدی مانند یوحنا و اختیار نیز نیازی به دوباره کاری ندیده و از همان فهرست^۳ (Yohnnan, 1943:412) و (Ekhtiar, 1979:144) استفاده کرده اند.

دو کتاب فوق به خصوص، زیربنای اندیشه و سرچشمه گرایش‌های فکری امرسن را در زمینه هندوئیسم و بودیسم ردیابی کرده‌اند. اما در این دو کتاب به تأثیر تصوف و شاعران ایرانی بر اندیشه امرسن نیز به طور مختصر اشاره شده است.

منصور اختیار^۴ نیز کتابی به زبان انگلیسی با عنوان *امرسن و آسیا: علاقه روزافزون امرسن به تصوف ایرانی* (۱۹۷۹) منتشر کرده و معتقد است، امرسن تحت تأثیر تصوف و بینش صوفیانه شاعران ایرانی است. او دیدگاه‌های امرسن را با شاعران فارسی زبان مانند مولوی، سعدی و حافظ مقایسه می‌کند و جایگاه و مقام صوفی در فرهنگ فارسی را با شاعر آرمانی در نگاه امرسن یکسان قلمداد می‌کند.

جان دی. یوحنا استاد ادبیات تطبیقی در سیتی کالج نیویورک، در کتابی با عنوان *گستره شعر پارسی در انگلستان و آمریکا* (۱۹۷۷) مفصل‌ترین شرح را درباره تأثیر شعر فارسی بر ادب انگلستان و آمریکا در دوره‌ای دوپست ساله ارائه کرده است. در این کتاب او اصراری بر اثرگذاری بینش صوفیانه و تصوف ایرانی بر بینش امرسن ندارد ولی به تأثیر پذیری وی از شاعران ایرانی به ویژه خیام، سعدی و حافظ اشاره می‌کند. لازم به

1- Fredrick I. Carpenter
2- Arthur Christy
3- Checklist
4- Mansur Ekhtiar

یادآوری است که یوحنا در مقاله «تأثیر شعر فارسی بر آثار امرسن» (۱۹۴۳) که حدود سی سال قبل از انتشار این کتاب نوشته و در نشریه ادبیات امریکایی، منتشر کرده بود، در واقع بذر نخستین این کتاب را کاشته بود. وی همچنین مقاله دیگری با عنوان «ترجمه های امرسن از شعر فارسی بر اساس منابع آلمانی»^۱ (۱۹۴۳) در همان نشریه منتشر کرده و در آن به بررسی چگونگی ترجمه های امرسن با استفاده از کتابهای هامرپورگشتال پرداخته بود.

مقاله دیگری که نیم نگاهی به تأثیر حافظ بر امرسن دارد، با عنوان «تأثیر حافظ بر شرق و غرب» (۱۹۸۶) نوشته پل اسمیت مترجم غزلیات حافظ در ملبورن استرالیاست.^۲ همچنین سوزان جمیل فاکهانی استاد ادبیات و زبانهای اروپایی در دانشگاه عبدالعزیز عربستان سعودی در مقاله خود با عنوان «تأثیر اسلام بر اندیشه امرسن» (۱۹۹۹) ضمن تأکید بر تأثیرپذیری امرسن از فرهنگ اسلامی، به این نکته نیز اشاره دارد که شاعران ایرانی چشمگیرترین تأثیر را بر طرز فکر امرسن گذاشته‌اند. احمد نضال المنصور نیز در رساله دکتری خود با عنوان «تأثیر خاورمیانه در امریکای قبل از جنگ داخلی» (۲۰۰۵) به تأثیر تصوّف بر امرسن از طریق شاعران فارسی اشاره کرده است.

مقاله ها و رساله های دیگری نیز در زمینه تأثیر شرق بر ادبیات آمریکا، به موضوع تأثیرپذیری امرسن از شاعران ایرانی و حافظ به طور گذرا اشاره کرده اند. نمونه ای از این گونه پژوهش ها را در م. عبیده^۳ در رساله دکتری او با عنوان «مسلمانان مشرق زمین در ادبیات آمریکا» (۱۹۸۵) و ر. ج. ویلسن^۴ (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «امرسن در جایگاه سخنران: انسانی متفکر و موعظه گر» می توان یافت. تحقیق های دیگری نیز در این

1- "Emerson's Translations of Persian Poetry from German Sources"

۲- این مقاله در این نشانی در دسترس می‌باشد:

<http://www.hafizofshiraz.com/hafizinfluence2.html> "Hafiz's in fluence on the east and west"

3- Marwan M. Obeidat

4- R.J. Wilson

زمینه انجام شده، که چون مطلب جدیدی به مطالب قبلی نیفزوده اند، از بررسی انتقادی آنها در این فهرست صرف نظر شده است.

از آن جا که پژوهش گران به ارائه کلیاتی در این باب بسنده کرده اند، بررسی تطبیقی نسبت های فکری و سبکی حافظ و امرسن با تأمل بیشتر و بر اساس دقایق و جزئیات موجود در متن آثار آنان امری ضروری به نظر می رسد. در این بررسی، با استناد به آثار هر دو شاعر، باید روشن کرد تلقی امرسن از شخصیت و اندیشه حافظ - که برای وی، ابتدا از طریق خواندن ترجمه های آلمانی حاصل شده - تا چه اندازه با آنچه در تاریخ ادبیات فارسی درباره حافظ گفته شده، همخوانی دارد. در این رساله با استناد به مجموعه کامل آثار امرسن^۱ و دیوان حافظ علاوه بر ردیابی شباهت های فکری و جهان بینی، شباهت های مضمون و صور خیال این دو شاعر نیز بررسی خواهد شد و در نهایت تأثیرپذیری امرسن از حافظ مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

دوره کامل دوازده جلدی آثار امرسن با رده بندی موضوعی و نمایه های تفصیلی، براساس صفحات چاپ نیویورک (۴-۱۹۰۳) در سامانه اینترنتی ذیل در دسترس است:

Emerson, Ralph Waldo, (2006), *The complete works of Ralph Waldo Emerson*. Edward waldo Emerson. <http://quod.lib.umich.edu/>. Last updated on March 28, 2006. A digital edition of the Complete Works of Ralph Waldo Emerson, Centenary Edition, edited and with notes by Edward Waldo Emerson.

- Vol. I : *Nature addresses and lectures;*
- Vol. II: *Essays. 1st series;*
- Vol. III: *Essays. 2nd series;*
- Vol. IV: *Representative men;*
- Vol. V: *English traits;*
- Vol. VI: *The conduct of life;*
- Vol. VII: *Society and solitude;*
- Vol. VIII: *Letters and social aims;*
- Vol. IX: *Poems;*

۱- مجموعه آثار امرسن را پسر وی به همراه یکی از دوستان نزدیک او به نام کابت Cabot در سال ۴-۱۹۰۳ گردآوری و تنظیم کرده اند.